

می شمرد^۱. هاووز در کتاب «خاستگاه اجتماعی هنر» متذکر می گردد که «در جوامع و قبایل ابتدای مراسم اجتماعی و مذهبی اغلب با فعالیتهای هنری توأم است... و تاریخچه نمایش و تئاتر امروزی به مراسم و مقاصد مذهبی بر می گردد»^۲.

دکتر شریعتی در کتاب جامعه شناسی ادیان، در ارائه ویژگیهای مشترک میان مذاهب، فهرستی را ارائه می کند که در این فهرست از «زیبایی و هنر»^۳ به عنوان یکی از ویژگیهای مشترک تمامی مذاهب یاد می کند.

دکتر شریعتی در کتاب «هنر در انتظار موعود» بیان می دارد که «هنریک مقوله دینی است»^۴، اما در طول تاریخ از مسیر دینی خود خارج شده و ماهیت متعالی و فوق مادی خویش را از دست داده است. وی می نویسد.

«همانطور که خود ما هستیم که اسلام را منحرف کرده ایم و پاپیسم است که مسیحیت را منحرف کرده است و چنانکه حضرت مسیح می گوید، علمای یهودند که مذهب یهود را منحط کرده اند، هنر را هم نه افلاطون که مخالف با شعر و یا هنر است و نه اصولاً کسانی که با هنر مخالف هستند یا آن را بحث می دانند، ضعیف کرده اند. بلکه هنر را هنرمندان بزرگ تاریخ و هنرمندان بزرگ عصر ما منحرف کرده اند و به ابتدال امروزی رسانده اند... به قول مولوی اگر ببینید که پول قلب در بازار رایج شده، باید بدانیم که پول طلا هست و قبلاً رایج بوده است»^۵.

گوران، انسان شناس بزرگ معاصر فرانسوی هم در مقاله «هنر پیش از تاریخ» خود خاطر نشان می سازد که هنر پیش از تاریخ ماهیتی مذهبی داشته است. اما همانگونه که ذکرش رفت، افراد دیگری مقوله هنر را از دین جدا می دانند. به عنوان

مثال ادوارد سایپر مردم شناس و روان شناس آمریکایی در مقاله ای با عنوان «دین چیست؟»^۶ با تأکید بر اینکه «عمق اعتقاد دینی کاملاً متفاوت با زیبا شناسی است و آرامش درونی که هنر فراهم می آورد، هرگز مشابه روحانیتی که دین مهیا می کند، نیست»^۶، در عمل به تفکیک سرمنشاء زیبایی و هنر با دین می پردازد.

در بررسی اجمالی که در مورد هنردرمانی در اسلام خواهیم داشت، با توجه به دیدگاه نخست که زیبایی و هنر را در آدمی همچون دین، امری فطری می داند، نخست از زیبایی هستی بخش و درون زیبا بین آدمی در اسلام یاد خواهیم کرد و سپس از زیبایی معقول و احساس آن که هدف غایی هنردرمانی تالی است، سخن خواهیم گفت.

زیبایی هستی بخش و درون زیبا بین آدمی

در متون اسلامی به کرات خداوند متعال با صفت جمال (زیبایی) جمیل و اجمل توصیف شده است. در یکی از ادعیه امام علی علیه السلام آمده است که حضرت می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ تَرَى أَوْ تَعْمَتَهُ عَلِيٌّ عَبْدُهُ.

خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که نمود نعمتش را در بنده اش ببیند^۷. استاد محمدتقی جعفری در کتاب «زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام» در تفسیر جمال خداوند هستی می نویسد:

«مسلم است که مقصود از جمال خداوندی پدیده و یا نمود عرضی نیست که از مقوله کیفیت محسوب می شود و خداوند جسم نیست که کیفیتی داشته باشد، بلکه او است آفریننده همه کیفیتهای، به اضافه اینکه اگر جمال خداوندی از مقوله کیفیت بوده باشد، لازمه اش ترکب است که برای

هنر درمانی (۲)

مرتضی منطقی

عضو هیئت علمی

دانشگاه تربیت معلم

• اشاره:

در شماره قبل درباره تاریخچه هنردرمانی، هنردرمانی در غرب و برخی شیوه های هنردرمانی آشنا شدید اینک توجه شما را به ادامه مطلب جلب می نمایم.

۳ - هنردرمانی تالی

در بررسی منشاء هنر می توان از دیدی به دو تفکر متفاوت اشاره کرد. تفکری که منشاء هنر را فطری و دینی می داند و تفکری که منشاء هنر را فطری و دینی نمی داند. استاد شهید مطهری در کتاب «فطرت» زیبایی و هنر را در زمره امور فطری آدمی بر

*** جهان پر از «آیات» و «بینات» است. منتهی این را کسی لمس می کند که به چشم «آیه شناس» و دیدگاه «بیتنه بین» مسلح و مجهز باشد.**

خداوند امکان ناپذیر است. از طرف دیگر نمی توان گفت: جمان خداوندی، یعنی عظمت و جلال او، زیرا این دو صفت از صفات کمالی او است که ذات پروردگاری بطور کامل و در حدّ اعلا دارای آن دو می باشد و می توان گفت وجوب آن ذات اقدس عبارت دیگری از کمال او، یا وجوب مستلزم کمال مطلق است. و چنانکه از منابع مزبور بر می آید، صفت جمال یکی از صفات او است که با نظریه مفهومی که دارد، غیر از حیات و قدرت و علم و اراده و دیگر صفات ذاتی و صفات فعلی اوست. همچنین با توجه به اینکه همه زیبایی های قابل تصور را او بوجود آورده است، معلوم می شود که جمال او مافوق زیبایی های محسوس و معقولی است که در دو قلمرو انسان و جهان قابل دریافت هستند. اگر ما توانسته باشیم زیبایی فوق محسوسات را به عنوان زیبایی دریافت کنیم و بپذیریم و اگر این حقیقت را تصدیق کنیم که زیبایی آرمانهای معقول می توانند در ما انبساط روانی یا احساس و شهودی خاص زیبایی معقولات بوجود بیاورند، توانسته ایم که یک گام در راه دریافت جمال خداوندی برداریم. و اگر این حقیقت را هم تصدیق کنیم که قوای دریافت کننده درونی ما خیلی عالی تر و با عظمت تر از آن است که آنها را در عکسبرداری محض از جهان برونی و تخیل و تداعی معانی و امثال اینها منحصر کنیم می توانیم به وجود آن استعداد که جمال خداوندی را در یابد پی ببریم. اگر چنین

استعدادی در دوردن ما نبود، خداوند متعال این صفت را به پیامبران و اوصیا. (ع) و اولیای عظام تلقین نمی فرمود که آن را بر مردم القاء کنند، مانند دیگر صفات جلال و کمال خداوندی که به پیامبران و اوصیا (ع) و اولیا تلقین شده یا تذکر صریح داده شده است که در آن صفات بیندیشند و عظمت خداوندی را دریابند. و چنانکه در دریافت اوصاف جلال، به صفت دریافت شده به عنوان صفت خداوندی با مفاهیم معمولی آنها که از مشهودات خود بدست آورده ایم قناعت نمی ورزیم، بلکه بطور قاطعانه مغایرت صفت خداوندی را با مفاهیم معمولی تصدیق می کنیم، همچنین منشاء دریافت ما در صفت جمال آن ذات اقدس مفاهیم معمولی زیبایی نیست.»^۱

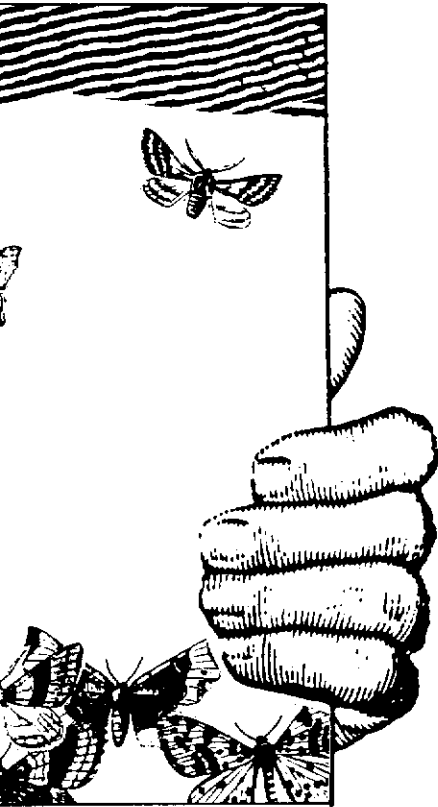
از این رو نقطه شروع هنردرمانی تالی زیبا دیدن خالق هستی و آفریده های اوست. همینطور علاوه بر امکان دریافت زیباییهای محسوس توسط آدمی، امکان دریافت زیباییهای غیر محسوس و معقولی توسط آدمی امری پذیرفته شده می باشد.

زیبایی معقول

در آیات متعددی قرآن زیباییها را به خداوند متعال نسبت می دهد و حتی محروم ساختن مردم از زیباییها را مورد توبیخ قرار می دهد.^۱ به همین ترتیب قرآن روی برخی از زیباییها تأکید بسیاری دارد.

در چند مورد از آیات قرآنی زیبایی منظره آسمان با ستارگانش گوشزد شده و خداوند عمل آراستن آن صحنه زیبا را بطور مستقیم به خود نسبت داده است. از آن جمله: در سورة الصافات آیه ۶ چنین آمده است:

إِنَّا زَيْنًا أَلْسَمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ.
ما آسمان دنیا را با زینت ستارگان آراستیم.



مضمون این آیه در سورة فصلت آیه ۱۲ والملك آیه ۵ و الحجر آیه ۱۶ و ق آیه ۶ و ۷ نیز آمده است.

همینطور در قرآن مجید آیاتی متعدد درباره زیبایی مناظر طبیعی وارد شده است که خداوند متعال توجه انسانها را به آن مناظر جلب می نماید. از آن جمله:

وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ
اهْتَرَّتْ وَرَكَتْ وَانْبَثَّتْ مِنْ كُلِّ رَفْحٍ بِهِجٍ
(۵، حج)

و زمین را می بینی که خشک و پژمرده است و هنگامی که آب به آن فرستادیم، به حرکت و اهتزاز در می آید و موادی در آن سر می کشند و از هر نوع جفت، نباتات و درختان بهجت انگیز (سرور انگیز) می رویند.

وَأَنْزَلْنَا لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً قَانَبَتْنَا بِهِ
حَدَائِقَ ذَاتَ جَمِيلًا. (۶۰، نمل)

و برای شما از آسمان آبی فرستاد و بوسیله آن آب باغهایی سرور انگیز و

*** در اسلام زیبایی صوری و مادی در پرتو زیبایی معقول و معنوی است که زیبا می نماید، و زیبای ظاهری تا جایی مورد پذیرش مکتب واقع می شود که بر محور زیبایی درونی بنا شود.**

برای شما زشت و کراهت بار ساخت. بنابراین در هنردرمانی تالی باید به دو عرصه از زیبایی توجه داشت. زیبایی های ظاهری و زیبایی معقول در اسلام زیبایی صوری و مادی در پرتو زیبایی معقول و معنوی است که زیبا می نماید، و زیبای ظاهری تا جایی مورد پذیرش مکتب واقع می شود که بر محور زیبایی درونی بنا شود. نه بر مبنای حرام و زشتی درون^{۱۱}. به همین خاطر مثلاً روابط بسیار بسیار عاشقانه اما انجام گسیخته زن، مرد، در اسلام نازیبا دیده می شود، و البته این مسأله انکار چشم و گوش و زیباییهای ملموس و محسوس بشمار نمی رود، بلکه گشودن چشم دل و جان بر روی زیباییهای برتر است و تأکیدی بر زیبایی معقول و جمال اصلی است.

اثنه اظهار علیهم السلام از زیباییهای مادی و زیبایی معقول با عنوان «زیبایی ظاهر» و «زیبایی باطن» یاد کرده اند. از امام علی علیه السلام در روایت است که فرمود:

«زینت باطنها، زیباتر از زینت ظاهرها است»^{۱۱}. و فرمود:

«زینت، به زیبایی و نیکویی صواب و حقیقت است، نه به نیکویی لباسها»^{۱۲}. و از امام حسن عسکری علیه السلام در روایت است که فرمود:

«زیبایی چهره، جمال ظاهر است و نیکویی عقل، جمال باطن»^{۱۳}.

در آیه شریفه ۲۲۱ سوره بقره نیز فرمود:

قرآن مطرح فرموده است:

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرْحَمُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ. (۶، نحل)

و برای شما است در آن جانداران منظره زیبا که در شامگاهان آنها را به جایگاههای خود بر می گردانید و صبحگاهان که آنها را به چرامی برید.

اما نکته مهمی که در این جا وجود دارد این است که نباید «زیبا» (و همینطور زشت) را تنها در عالم طبیعت و در گستره ماده بشناسیم. برخلاف آنچه که معمولاً در بحثهای زیبایی شناسی رایج است و «جمال» را صرفاً از این بعد تحلیل، بررسی و معرفی می کنند، قلمرو مهمتری هست که با ملاکها و معیارهای خاص و خودش زیبایی دارد و زشت و زیبا در آن محدوده معنای جدی تری به خود می گیرد، چیزی که ما به عنوان زیبایی معقول یا جمال معنوی از آن یاد می کنیم.

در آیاتی قرآنی بر زیبایی آرمانهای معقول و اصول عالی اخلاقی و ارزشهای انسانی تأکید شده است. از آن جمله:

وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا تَبِئُهَا فَا صَفَحَ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ. (۸۵، حجر)

و روز رستاخیر قطعاً فرا خواهد رسید با عفو و بخشش زیبا از لغزشهای مردم درگذر.

فَأَضْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا. (۵، معارج)

شکیبایی نما، شکیبایی زیبا.

وَأَضْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا. (۱۰، مزمل)

به آنچه می گویند بردبار باش و از آنان دوری بگیر، دوری و جدایی زیبا.

وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْإِعْيَانَ. (۷، حجرات)

ولی خداوند متعال ایمان را به دلهایتان محبوب کرد و ایمان را در دلهای شما با زیبایی بیاراست، و کفر و فسق و معصیت را



بجهت آور رو یانیدیم.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْفِحُ الْأَرْضَ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ. (۶۳، حج)

آیا ندیده ای که خداوند از آسمان آب فرستاد و زمین سبز و خرم گشت. قطعاً خداوند لطیف و آگاه است.

زیبایی ترکیب انسان و صورت او نیز در مواردی از قرآن با تعبیرات مختلف آمده است. از آن جمله:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ. (۴، تین)

قطعاً ما انسان را در بهترین ترکیب و یا در نیکوترین اعضا و اجزای بر پا دارنده او آفریدیم.

وَصَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَتَكُمْ. (۳، تغابن) و (۶۴، غافر)

و صورت شما را کشید و این صورتگری را زیبا و نیکو انجام داد.

خداوند زیبایی را درباره جانداران نیز در



انسانی که حیات را در ارتباط با مبدا و معاد می شناسد و «از اویی و به سوی اویی» را درک کرده و باور دارد، زاویه دید و نگرشش با کسی که هستی را در محدوده کوچک «دنیا» هم از زاویه اعتقاد به امور جنسی می بیند، خیلی تفاوت دارد.

«برای یک انسان مسلح به ایدئولوژی الهی و جهان بینی اسلامی، سراسر طبیعت و جهان، پیام دارد و سراسر هستی «آیه» است و هستی، سراسر، آیه.

جهان پر از «آیات» و «بیتنا» است. منتهی این را کسی لمس می کند که به چشم «آیه شناس» و دیدگاه «بینه بین» مسلح و مجهز باشد.

و مهم، پیدا کردن آن دید است. اگر دارای آن شدی، جهان با تو صحبت می کند و حیات، دایم برایت پیام می فرستد. در این صورت است که در ورای صورت ها و شکلها و نمودها، برای طبیعت روح و جان و نطقی خواهی یافت. خدایی که همه چیز را به نطق وامی دارد «انْفَلَقْنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ» جهان را هم برای تو گویا می گرداند.

وقتی پیامبر اسلام به کوه اُحد می نگرد و درباره اش می گوید: این کوهی است که ما را دوست دارد و ما هم آن را دوست می داریم: «هَذَا جَبَلٌ يُحِبُّنَا وَنُحِبُّهُ» این

می شود، انسانی ایتر و بریده از ارزشهای والا است. رئالیسم هنری در غرب، برخلاف

همواره تاریخ، دست به ترسیم چهره دیگری از انسان زده است، این چهره شخصی بسیار عادی و معمولی است. او هیچ امتیاز، ویژگی، معنویت و ارزش برتری نسبت به دیگران ندارد رئالیسم هنری دست به پردازش انسانی زده است که بیشتر ضعف دارد تا قوت، و اگر هم لحظه ای نقطه قوت و اوجی در زندگی او درخشیدن گیرد، این لحظه بسیار نادر و گذرا بشمار می آید. اما

«هنر اسلامی» شناخت دو بعد رحمانی و پست آدمی را مدنظر خود قرار می دهد. در این هنر انسان گاهی مغلوب بعد لجنی خویش و گاهی مجذوب کشش الهی است. هنر اسلامی برخلاف هنر غربی که

تنها به هبوط آدمی می اندیشد و با واقع گرایی خود، تنها نقاط ضعف او را عمده می کند، ضمن آنکه لحظه های هبوط آدمی را انکار نمی کند، آن را تمجید هم نمی کند و در عین حال که به نقاط ضعف انسان اعتراف می کند، در جهت برطرف کردن آنها حرکت می کند. هنر غربی با نشان دادن انسانهایی که یا نمی خواهند و یا نمی توانند به بالا عروج کنند، عروج را خرافات و هبوط را حقیقت می داند و می گوید آنچه که هست، بهترین است در روایت است که امام علی علیه السلام فرمود: «با هوای نفس خود چنان جهاد کنید که با دشمن می جنگید!»

اما آیا هنر غربی و هنر مارکسیستی به جهاد با نفس توجه دارند؟ و آیا یک داستان، نمایشنامه و یا فیلم خود، انسانی را در جدال با هوای نفس بگونه ای مطرح می سازد که از این میدانها قهرمانانه بیرون آید؟ و آیا اصولاً در این هنر غلبه بر خواهشهای سوزان نفس و تمایلات سرکش و شهوانی به عنوان یک ارزش مطرح می شود؟

وَلَا مَقَمَ مُؤْمِنَةٍ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَكَتُورٍ أَعَجَبْتَكُمْ.

و یک کنیز با ایمان بهتر است از یک زن مشرک، اگر چه زیبایی او شما را به شگفتی وادارد. در زمینه تعارض بین زیباییهای ظاهری و زیبایی معقول روشن است که این تعارضها که گاهی از اوقات رخ می دهد، ابزار آزمایش انسانها و تمیز سره و ناسره آنها از یکدیگر بشمار می رود. در آیات شریفه ۷، ۲۸ و ۴۸ سوره مبارکه کهف می فرماید:

«ما آنچه را که در روی زمین است برای زمین (و مردمان آن) زینت قرار دادیم تا آنان را در محرابی آزمایش قرار بدهیم، تا چه کسی از آنان دارای عمل نیکوتر بوده باشد».

«نفس خود را در زندگی با کسانی که پروردگار خود را صبحگاه و شامگاه می خوانند و فقط عنایت ربانی خدا را در نظر دارند به شکیبایی وادار کن و چشمانت را از آنان برای اراده زیور و زینت حیات دنیوی منصرف مساز.»

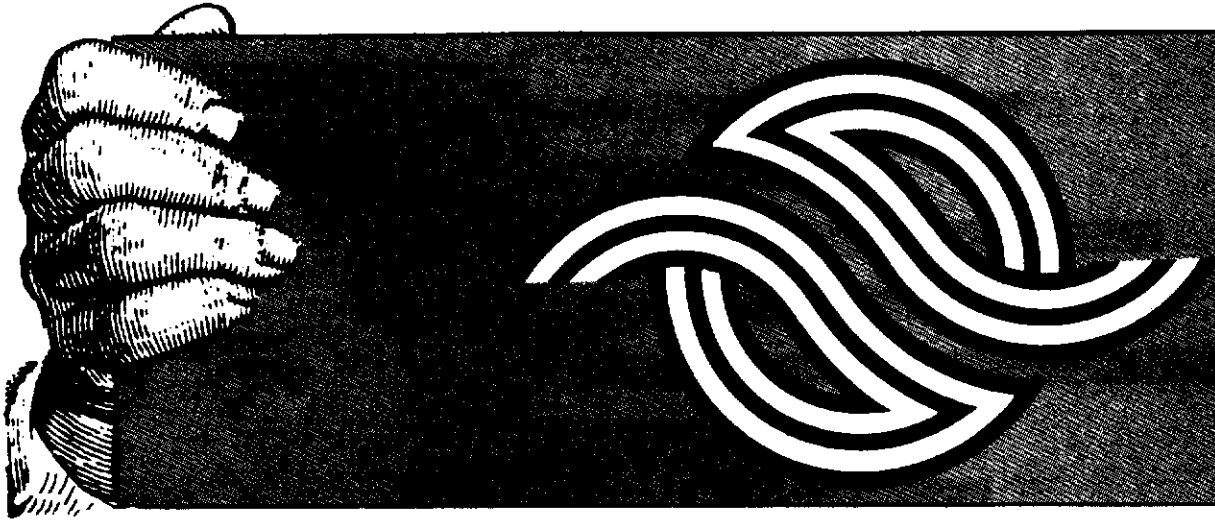
«آنچه روی زمین است، برای امتحان است.»

از همین رو در شرع مقدس می توان شاهد دستوراتی بود که به عنوان اصول بهداشت، روانی مسلمانان ارائه شده اند و سعی در سوق دادن افراد از جمال ظاهری به سوی جمال باطنی دارند. به عنوان مثال مستحب است که یک مسلمان هنگام نگاه کردن به چهره خود در آینه بگوید:

«خدایا آن گونه که چهره و خلقتم را زیبا آفریدی، خلق وجوی مرا نیز زیبا قرار ده»

جهت گیری عرفانی انقلابی در هنردرمانی تالی

انسانی که در آثار هنری غرب مطرح



● پی نوشتها:

- ۱ - مطهری، مرتضی. «فطرت»، انجمن اسلامی دانشجویان مدرسه عالی ساختمان، ۱۳۶۱، و «هنر مکتبی»، جواد معدنی نشر معاونت فرهنگی آموزش و پرورش، ۱۳۶۸، ص ۷
 - ۲ - هاووز، آنزولد و دیگران، «خاستگاه اجتماعی هنر»، گروه مترجمان فرهنگسرای نیاوران، تهران، ۱۳۵۷، صص ۱۶۲-۱۶۳
 - ۳ - شریعتی، علی، «تاریخ ادیان»، انتشارات طاهری، بی تا، صص ۸۶-۸۷
 - ۴ - شریعتی، علی «هنر در انتظار موعود»، نشر اسرار، ۱۳۵۷، ص ۹
 - ۵ - همان کتاب، صص ۹-۱۱
به نقل از «گرد شهر» (دکتر محمود روح الامینی، نشر عقار، ۱۳۶۸)، ص ۲۱۱
 - 6-Sapier, Edvard, The American Mercury, What is religion? 1928
 - ۷ - فیض کاشانی الوافی، جزو ۱۱ به نقل از ابوبصیر، ص ۹۳. در مفاصل و ادعیه اسلامی موارد مشابه فراوان یافت می شود.
 - ۸ - جعفری، محمد تقی «زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام»، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، چاپ سوم ۱۳۶۹، صص ۱۰۴-۱۰۵
 - ۹ - آیه ۳۱ سوره مبارکه اعراف
 - ۱۰ - به کتاب «زیبایی و هنر در اسلام» استاد محمد تقی جعفری و «هنر قلمرو مکتب» اثر جواد معدنی مراجعه شود.
 - ۱۱ - ۱۲ - تمیمی، آمدی عبدالواحد بن محمد «عزرا الحکم»، نقل از «هنر مکتبی»، ص ۲۵
 - ۱۳ - علامه مجلسی، «بحار الانوار»، جلد ۷۸، ص ۳۷۷ به نقل از هنر مکتبی، ص ۲۵
 - ۱۴ - خرغاملی، وسائل الشیعه، جلد ۱۱، ص ۲۲۲
 - ۱۵ - هنر مکتبی، ص ۵۹
 - ۱۶ - نشریه پیام زن، ۱۳۷۱/۴/۴
 - ۱۷ - جعفری، محمد تقی، «زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام»، صص ۱۶۵-۱۷۲
- معراج انسانیت را با سرعت بیشتر در نوردد، این هنر، هنر اسلامی است. این هنر، هنری است که مورد تشویق و تقدیر اسلام است.^{۱۶}»
- قسمت دیگری از وظیفه هنر (و هنردرمانی تالی) را حضرت امام خمینی سلام الله علیه چنین تبیین فرمودند:
- «تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهانخواران شرق و غرب و در رأس آنان آمریکا و شوروی را بیاموزد»
- استاد محمد تقی جعفری در بحثی که درباره هنر پیرو (هنر معاصر غرب) و هنر و رشد و (هنر تالی) دارند، چنین تبیین دو وظیفه فوق می پردازند:
- «هنر پیرو عبارت است از توجیه شدن نبوغ و فعالیتهای عقلانی و احساساتی هنرمندان بسوی خواسته ها و تمایلات و دریافت شده های معمولی مردم، هنرمند «پیرو» دنباله رو تفکرات و آرمانهای مردم جامعه است... هنر «پیشرو» تصفیه واقعیات جاری و استخراج حقایق ناب از میان آنها و قرار دادن آن در مجرای «حیات معقول» با شکل جالب و گیرنده است. در این گونه هنر... آنچه «هست» را به سود آنچه «باید باشد» تعدیل می کنند، ما این هنر را جلوه گاه تعهد و بوجود آورنده آن را هنرمند متعهد می نامیم.^{۱۷}» ●

نشان دهنده بینش عاشقانه و نگاه جمال شناس و محبت یاب پیامبر اکرم (ص) است که در نگاه محمد (ص) حتی کوه احد هم گویاست و حیات و ادراک و محبت دارد و پیامبر وقتی به «دید الهی» مجهز باشد، این تعبیر، کاملاً طبیعی است.^{۱۵}»

به این ترتیب هدف هنردرمانی تالی را می توان در جهت بخشی عرفانی و انقلابی به افراد خلاصه کرد. رساندن آدمی به عرفانی که ملکوت آسمانها را ببیند، قسمتی از وظیفه هنردرمانی تالی است. در آیه ۸۵ سوره مبارکه اعراف می فرماید:

أَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

آیا در ملکوت آسمانها و زمین ننگریسته اند.

در همین زمینه شهید بهشتی می گوید:

«وقتی اسلام می خواهد به نیاز هنری انسان بنگرد، کاملاً متوجه است که هنر نردبان عروج و تکامل باشد، نه وسیله سقوط و تباهی. هنری باشد که انسان را انسان تر کند، نه انسان را به حیوانیت و سببیت یا حیوانیت، شهوت، یا حیوانیت طاغوتی و چاربت و سببیت بکشانند.

هنر، هنر تعالی بخش، هنری که به انسان کمک کند از زیاده دان زندگی منحصر در مصرف اوج بگیرد، بالا بیارید،